

# جن و اجنه

## محمد افنان

فعل سه حرفی جنّ (ج ن ن)، که اسم جنّ از آن مشتق شده، به معنی پوشیدن و مستور داشتن است. از این فعل اسامی متعدّدی ساخته شده که عموماً به معنی و مفهوم پوشیده داشتن یا پوشیده بودن است، که از آن جمله میتوان جنین (طفل قبل از تولد)، جنون و مجنون (دیوانگی و دیوانه)، جنّت و جنّان (بهشت)، جنّان (قلب)، جنّه و جنّان (سپر) را که در ادبیات فارسی نیز معمول و متداول است نام برد. تعدادی اسماء و اصطلاحات دیگر مشتق از این فعل نیز وجود دارد که در زبان اصلی، یعنی عربی، معمول است و برای رعایت اختصار از آن صرف نظر میشود.

اصطلاح جنّ را اسم جمع دانسته و جمع آن را جانّ و مفرد آن را جنّی گفته اند. با توجه به معنی و مفهوم اصلی این کلمه میتوان دریافت که مفهوم جنّ این است که به موجوداتی غیرمرئی و نادیدنی اطلاق شود. از سابقه کلمه جنّ مطلب یا مطالب علمی در دست نیست، جز آنکه در فرهنگ شرق بخصوص ذکر جنّ و اجنه معمول بوده و هر کسی متناسب افکار و تصوّرات خود از آن داستانی ساخته و پرداخته است.

از مراجع اصلی در باره کلمه جنّ قرآن مجید است، و سوره ۷۲ این کتاب الهی به سوره الجنّ نامیده شده. با توجه به اینکه اسامی سور قرآنی بعداً تعیین شده است، تسمیه این سوره به اعتبار آیات متعدّدی از آن است که در آن ذکر جنّ شده است. در قرآن کریم ذکر جنّ در اغلب موارد با کلمه انس به معنی انسان همراه آمده. منشأ خلق انسان طین، یعنی خاک، و منشأ وجود جنّ نار، یا آتش، ذکر شده که ذکر طین و نار به اعتبار عناصر چهارگانه آب و آتش و باد و خاک است.

ضمناً مفهوم بعضی از آیات قرآنی این است که امر و شریعت الهی برای انس و جنّ و خطاب به هر دو است، و هر دو در مقابل آیات نازلہ مسؤل و هر دو از اتیان به مثل عاجزند و هر دو گروه مشمول عذاب و ثواب خواهند بود. بعضی از آیات مبارکہ قرآن نیز حکایت از این دارد که نفراتی از جنّ به شنیدن آیات قرآنی احساسی از اعجاب و احترام داشته‌اند. در بعضی از تفاسیر قرآنی این نفوس جنّی را از مؤمنان به دیانت یهود دانسته‌اند (سورۃ الأحقاف، آیه ۲۹) و ذکر آن در سورۃ دیگری از قرآن نیز مذکور است (سورۃ الجنّ).

در آثار حقّه این امر مفهوم و حقیقت جنّ و سایر موجودات همانند مذکور است. حضرت عبدالبهاء میفرماید: "و اما ما سئلت عن الجنّ فاعلم بانّ الله تعالی خلق الانسان من اربع عناصر النار و الهواء و الماء و التراب و ظهر من النار الحرارة و منها ظهرت الحركة و لما غلبت فی الانسان طبیعة النار علی سایر الطبايع يطلق علیه هذا الاسم و هو فی الحقيقة الاولیة يطلق علی المؤمنین بالله و الموقنین بآياته و المجاهدین فی سبيله لانّهم خلقوا من نار الكلمة الربانیة الّتی تکلم بها لسان العظمة ... و لما تنظر الی رحمهم و لطفهم و اتباعهم امر الله و تقدیسهم عمّا سواه تسمیهم بالملائكة كما ذکرنا فی بدو الكلام و فی مقام يطلق علی الذین یسبقون فی الایمان عمّا دونهم بما یری منهم سرعة الحركة من النار الموقدة من الكلمة الالهیة لانّ من قلوبهم ترتفع زفرات المحبّة و الوداد فی بواطنهم تلتهب نیران مودّة مالک المبدأ و المعاد اذاً فاعرف یا ایّها السائل بانّا فسرنا لك التفسیر الحقیقی فی هذا الاسم ولكن فاعلم بانّه يطلق علی غیر المؤمنین مجازاً بما یری منهم من الکبر و الاستکبار فی امر الله و المحاربة و المجاهدة مع انبیاء الله و یدلّ علی هذین التفسیرین ما نزل من جبروت مشیة الله ربّ العالمین فی سورة الجنّ قوله تعالی قل اوحی الیّ انه استمع نفر من الجنّ فقالوا انا سمعنا قرآناً عجیباً یدی الی الرشد فآمنّا به و لن نشرك برّبنا احداً الی قوله تعالی و انا منّا الصالحون و منّا دون ذلك کنا طرائق قددا ..." (مائدة آسمانی، ج ۲، صص ۴۶ و ۴۷)

مفهوم بیان مبارک این است که چون انسان مجموعه‌ای از عناصر و طبایع چهارگانه است و طبیعت ناری مولد حرارت است و غلبه این طبیعت منشأ حرکت، لذا اسم جن بحقیقت بر اهل ایمان اطلاق میشود. و اگر بصفات روحانی آنان مانند رحم و لطف و اتباع اوامر الهی و تقدیس و پاکی آنان نظر شود به ملائک نام برده میشوند. لذا در مقامی نیز به سابقین مؤمنان اطلاق میشود، زیرا نار موقده الهیه آنان را به حرکت آورده و از قلبهای آنان محبت و دوستی می‌تراود و در دلشان آتش مودت شعله می‌کشد. تفسیر حقیقی این است. اما به غیرمؤمنان بطور مجاز به مناسبت اینکه از آنان کبر و غرور در امر الهی ظاهر میشود نیز اطلاق شده است و شاهد را از سوره الجن قرآن می‌آورند که بعد از مقدمات در آن سفر جلیل آمده که از اجنه گروهی صالحند و گروهی غیر آن و ما را طریق و روش مختلف و مخالف است.

و در لوحی دیگر حضرت عبدالبهاء چنین فرموده‌اند که "مراد از جن در آیه مبارکه فرقان نفوسی هستند که ایمان و انکارشان مستور و مخفی است. جن موجودی است پنهان. این است که میفرماید بیرونکم من حیث لاترونهم. یعنی آنان به ایمان و ایقان شما واقف و مطلعند، ولی ایمان و ایقان آنان در نزد شما پنهان. الجن من استجن فیہ نور الایمان او نار الطغیان." (مائدة آسمانی، ج ۲، صص ۳۴-۳۵)

و در لوح مبارک دیگر "مراد از اجنه نفوس خفیه است که ایمان و یا انکارشان ظاهر و مشهود نیست. حضرت اعلی میفرمایند «الجن من استجن فیہ نار النفی» و اما غول و آل مقصد از آن مظاهر غفلت و ضلال است و آنچه حکایات و روایات که در این خصوص می‌شنوید جمیع معانی دارد، ولی آنچه عوام می‌گویند یا مشاهده مینمایند ایضاً اوهام است و شاید در نظرشان مجسم میگردد." (یاران پارسی / شماره ۱۰۶)

بیانات مبارک فوق مؤید این حقیقت است که چون افراد بشر به تناسب استعدادها و قابلیت‌های روحانی حائز مراتب و در حالات مختلف هستند بعضی مقام ملائک و فرشتگان دارند و بعضی شیطان صفت و شیطانند. اما چون مراتب ایمان و یا عدم ایمان و اطمینان همواره برای همگان معلوم

نیست، بر آنان اطلاق اسم جنّ و اجنه شده و میشود، و میتوان گفت که تنها به کمک امتحانات الهی است که مؤمن حقیقی از غیرمؤمن ممتاز میگردد. در امر بهائی اعتقاد به جنّ و شیطان و امثال آن به عنوان موجوداتی ممتاز و مجزاً وجود ندارد. حضرت ولیّ امرالله در توقیعی مورخ ۲۰ آپریل ۱۹۳۹ میفرماید "جنّ و انس کیفیتی است روحانی" و بدین وسیله کیفیت اعتقادی اهل بهاء را تبیین فرموده‌اند.